

تحلیل تطبیقی سیاست‌های استفاده از هوش مصنوعی در نشریات علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران و ارائه چارچوب سیاستی پیشنهادی

مهدی رحمانی^۱ احمد شعبانی^۲

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، M.rahmani@edu.ui.ac.ir

۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، shabania@edu.ui.ac.ir

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سیاست‌ها و بیانیه‌های استفاده از هوش مصنوعی در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران، تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های سیاستی موجود و ارائه چارچوب سیاستی پیشنهادی انجام شد.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی-تحلیلی با رویکرد تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار بود. جامعه پژوهش شامل تمامی ۲۷ نشریه معتبر حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی نمایه‌شده در سامانه ارزیابی نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تا پایان سال ۱۴۰۴ بود که به روش سرشماری بررسی شدند. داده‌ها از طریق بررسی نظام‌مند وبسایت نشریات، شامل بخش‌های راهنمای نویسندگان، اصول اخلاق نشر، راهنمای داوران و درباره مجله گردآوری شد. همچنین، دستورالعمل استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی بنیاد ملی علم ایران و سیاست‌های بین‌المللی منتشرشده توسط نهادها و ناشران معتبر از جمله کپ، یونسکو، الزویر، اشپرنگر و سیج به عنوان اسناد مرجع مورد تحلیل قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار و کدگذاری سه‌سطحی (صریح، ضمنی و عدم وجود) تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که از میان ۲۷ نشریه مورد بررسی، تنها سه نشریه (۱۱/۱ درصد) شامل مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، پژوهشنامه علم‌سنجی و پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی دارای سیاست یا بیانیه رسمی در زمینه استفاده از هوش مصنوعی مولد هستند و ۲۴ نشریه دیگر (۸۸/۹ درصد) فاقد هرگونه سیاست مدون هستند. تحلیل تطبیقی ۱۶ مؤلفه کلیدی سیاستی نشان داد که مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات جامع‌ترین سیاست را با تأکید بر حفاظت از داده‌های حساس حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه کرده است، پژوهشنامه علم‌سنجی بر نقش سردبیران، داوران و ابزارهای تشخیص محتوای هوش مصنوعی تأکید دارد و پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر مبتنی بر اصول کمیته اخلاق نشر است. همچنین، دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران در حوزه شفافیت، مسئولیت‌پذیری و مدیریت پژوهش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، پوشش سیاستی گسترده‌تری نسبت به نشریات داخلی ارائه می‌کند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده وجود خلأ سیاستی قابل توجه در نظام نشر علمی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران است. پراکندگی و ناهمگونی سیاست‌های موجود، ضرورت تدوین یک چارچوب سیاستی ملی و یکپارچه را آشکار می‌سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر با تلفیق سیاست‌های نشریات داخلی، دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران و استانداردهای بین‌المللی، چارچوبی پیشنهادی برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران ارائه می‌کند که می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری آینده در این حوزه باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی مولد، استفاده مسئولانه، اخلاق پژوهش، نشریات علم اطلاعات و دانش‌شناسی، ایران، سیاست‌گذاری نشریات

A Comparative Analysis of Generative Artificial Intelligence Policies in Iranian Library and Information Science Journals: Proposing a Policy Framework

Abstract

Purpose: This study aimed to investigate the status of generative AI policies in Iranian journals of Information Science and Knowledge Studies, comparatively analyze existing policy components, and propose a comprehensive policy framework.

Methodology: This applied study employed a descriptive-analytical design using directed qualitative content analysis. The research population consisted of all 27 accredited journals in the field of Information Science and Knowledge Studies indexed in the Iranian Ministry of Science's journal evaluation system up to the end of 2025. A census sampling approach was adopted. Data were collected through a systematic review of journal websites, including sections such as author guidelines, publication ethics statements, reviewer instructions, and publication policies. In addition, the responsible AI guidelines of the Iran National Science Foundation (INSF), as well as policies issued by international organizations and publishers, including COPE, UNESCO, Elsevier, Springer Nature, and Wiley, were examined as reference documents. Data were analyzed using directed qualitative content analysis and a three-level coding scheme (explicit presence, implicit presence, and absence).

Findings: The findings revealed that only three journals (11.1%)—Library and Information Organization Studies, Scientometrics Research Journal, and Library and Information Science Research Journal—had published explicit policies regarding the use of generative AI, while the remaining 24 journals (88.9%) lacked any formal policy statements. Comparative analysis of 16 key policy components showed that Library and Information Organization Studies had the most comprehensive policy, with a particular focus on protecting sensitive data in Information Science. Scientometrics Research Journal emphasized the roles of editors, reviewers, and AI-detection tools, whereas Library and Information Science Research Journal primarily relied on COPE guidelines. Furthermore, the Iran National Science Foundation guidelines demonstrated broader policy coverage regarding transparency, accountability, and responsible AI use in research.

Conclusion: The findings indicate a substantial policy gap in the scholarly publishing system of Information Science and Knowledge Studies in Iran. The fragmented and inconsistent nature of existing policies highlights the urgent need for a unified national framework. Accordingly, this

study proposes a comprehensive policy framework by integrating the strengths of domestic journal policies, the Iran National Science Foundation guidelines, and international standards, providing a foundation for future policymaking on the responsible use of generative AI in Iranian scholarly publishing.

Keywords: *Generative Artificial Intelligence, Responsible Use, Research Ethics, Information Science and Knowledge Studies Journals, Iran, Journal Policy*

مقدمه

گسترش سریع هوش مصنوعی در سال‌های اخیر، تحول قابل توجهی در فرآیند تولید، ارزیابی و انتشار دانش علمی ایجاد کرده است. این فناوری با قابلیت‌هایی نظیر تولید متن، ویرایش زبانی، ترجمه، خلاصه‌سازی، تحلیل داده‌ها و پشتیبانی از فرآیندهای پژوهشی، به تدریج به یکی از ابزارهای مهم در اکوسیستم نشر علمی تبدیل شده است. استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مولد می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری پژوهشگران، تسریع فرآیند نگارش و ارتقای دسترسی به دانش شود، اما در عین حال، چالش‌های جدیدی را در حوزه اخلاق پژوهش، اعتبار علمی و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای ایجاد کرده است (رحمانی، ۲۰۲۶؛ حسینی، رasmusen و رزنیک^۱، ۲۰۲۳). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در نگارش علمی، به‌ویژه در میان پژوهشگران غیرانگلیسی‌زبان، با سرعت فزاینده‌ای در حال گسترش است و این روند، ضرورت بازنگری در سیاست‌های نشر علمی را دوچندان کرده است (استوکیل‌والکر و وان نوردن^۲، ۲۰۲۳).

مهم‌ترین چالش‌های ناشی از به‌کارگیری هوش مصنوعی مولد در نشر علمی شامل کاهش شفافیت در فرآیند تولید دانش، امکان تولید اطلاعات نادرست یا غیرقابل راستی‌آزمایی پدیده موسوم به توهم‌زایی^۳ یا ابهام در مالکیت فکری و نویسندگی، افزایش خطر سرقت ادبی پنهان و تضعیف مسئولیت‌پذیری پژوهشگران است (حسینی و همکاران، ۲۰۲۳؛ رزنیک و حسینی^۴، ۲۰۲۵). رزنیک و حسینی (۲۰۲۵) در چارچوبی سه‌سطحی، افشاسازی استفاده از هوش مصنوعی را به سه دسته اجباری، اختیاری و غیرضروری تقسیم کرده و معیارهایی برای تشخیص «استفاده معنادار» از هوش مصنوعی در پژوهش پیشنهاد داده‌اند؛ از جمله این که ابزار هوش مصنوعی در نتایج پژوهش تأثیر تصمیم‌گیرنده داشته باشد یا محتوا/داده/تصویر تولید یا ترکیب کرده باشد. با این حال، مطالعات نشان داده‌اند که میان الزام به افشاسازی و رفتار واقعی نویسندگان شکاف قابل توجهی وجود دارد، زیرا افشاسازی می‌تواند با نوعی کاهش اعتبار ادراک شده همراه باشد (شیلکه و ریمان^۵، ۲۰۲۵).

در پاسخ به این چالش‌ها، نهادهای بین‌المللی و ناشران بزرگ علمی اقدام به تدوین چارچوب‌ها و سیاست‌های مشخص برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد در پژوهش و نشر علمی کرده‌اند. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی، که در نوامبر ۲۰۲۱ توسط ۱۹۳ (بر اساس

1. Hosseini, Rasmussen & Resnik

2. Stokel-Walker & Van Noorden

3. Hallucination

4. Resnik & Hosseini

5. Schilke & Reimann

برخی منابع ۱۹۴) کشور عضو تصویب شد و نخستین سند استاندارد جهانی در این حوزه به شمار می‌رود، بر اصول بنیادینی همچون کرامت و حقوق بشر، شفافیت و تبیین‌پذیری، عدالت و عدم تبعیض، و نظارت انسانی تأکید کرده است. این سند تصریح می‌کند که مسئولیت اخلاقی و حقوقی نهایی در هر مرحله از چرخه حیات سامانه‌های هوش مصنوعی باید همواره قابل انتساب به اشخاص حقیقی یا حقوقی باقی بماند و هوش مصنوعی هرگز نمی‌تواند جایگزین مسئولیت‌پذیری نهایی انسان شود (یونسکو، ۲۰۲۱).

در سطح ناشران بین‌المللی، مؤسسات بزرگی مانند الزویر، اشپرینگر نیچر و وایلی سیاست‌های مشخصی را برای استفاده از هوش مصنوعی تدوین کرده‌اند. این سیاست‌ها عموماً بر چهار اصل مشترک استوارند: ممنوعیت قطعی معرفی هوش مصنوعی به عنوان نویسنده یا هم‌نویسنده (زیرا نویسندگی مستلزم پاسخ‌گویی است که سامانه‌های هوش مصنوعی فاقد آن هستند)، الزام به افشای نوع و میزان استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی معمولاً در بخش روش‌شناسی یا سپاسگزاری، ممنوعیت یا محدودیت شدید استفاده از هوش مصنوعی مولد برای تولید یا ویرایش تصاویر علمی، و تأکید بر مسئولیت کامل نویسندگان در قبال صحت و اصالت محتوای منتشرشده. برای نمونه، الزویر به صراحت اعلام کرده هوش مصنوعی و فناوری‌های مبتنی بر آن "نمی‌توانند به عنوان نویسنده یا هم‌نویسنده فهرست شوند، و حتی نمی‌توان به آن‌ها به عنوان نویسنده استناد کرد". در حالی که اشپرینگر نیچر رویکردی نسبتاً میانه‌تر دارد و "ویرایش زبانی صرف با کمک هوش مصنوعی" را از الزام افشا معاف می‌داند، اما استفاده معنادارتر از مدل‌های زبانی بزرگ را ملزم به مستندسازی در بخش روش‌ها می‌کند (اشپرینگر، ۲۰۲۵؛ الزویر، ۲۰۲۵). کمیته اخلاق نشر^۱ نیز به عنوان یکی از مراجع اصلی سیاست‌گذاری در این حوزه، همسو با WAME و شبکه JAMA، رسماً اعلام کرده است که ابزارهای هوش مصنوعی معیارهای نویسندگی را برآورده نمی‌کنند، زیرا فاقد ظرفیت پاسخ‌گویی حقوقی و اخلاقی هستند (کمیته اخلاق نشر، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

با وجود این تلاش‌های سیاست‌گذاری، مطالعات انجام‌شده درباره هوش مصنوعی مولد و نشر علمی را می‌توان در چهار جریان پژوهشی اصلی طبقه‌بندی کرد که هر یک بخشی از مسئله را مورد توجه قرار داده‌اند، اما هیچ‌یک به صورت جامع به تدوین چارچوب سیاستی بومی برای نشریات علمی در کشورهای در حال توسعه، به ویژه در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نپرداخته‌اند.

نخستین جریان پژوهشی بر ابعاد اخلاقی، حقوقی و حکمرانی هوش مصنوعی مولد متمرکز است. هگندورف^۲ (۲۰۲۴) در یک مطالعه مروری دامنه‌ای گسترده، ۳۷۸ مسئله هنجاری مرتبط با هوش مصنوعی مولد را در ۱۹ حوزه موضوعی (شامل انصاف، ایمنی، محتوای مضر، توهمزایی، حریم خصوصی، ریسک‌های تعاملی، امنیت و همسوسازی) شناسایی و رتبه‌بندی کرد و نتیجه گرفت که فقدان چارچوب‌های اجرایی و نظارتی، یکی از مهم‌ترین

1. COPE

2. Hagendorff

خلأهای موجود در حکمرانی هوش مصنوعی است. هم‌سو با این یافته، گائو^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در تحلیل کتاب‌سنجی جامعی از ادبیات اخلاق هوش مصنوعی طی دو دهه گذشته، هفت مسئله کلیدی از جمله چالش‌های شفافیت و تبیین‌پذیری، حریم خصوصی، عدالت و انصاف را شناسایی کردند و بر نبود سازوکارهای عملیاتی برای تبدیل اصول اخلاقی به سیاست‌های اجرایی تأکید کردند. در همین راستا، تیلی^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در یک مطالعه موردی کیفی سه‌مرحله‌ای، گفتمان عمومی و ادراک کاربران اولیه از چت‌جی‌پی‌تی در آموزش را بررسی کردند و نشان دادند که در کنار استقبال عمومی، نگرانی‌هایی جدی درباره کیفیت پاسخ‌ها، ابعاد اخلاقی و پیامدهای تحول‌آفرین این فناوری در محیط‌های آموزشی و پژوهشی وجود دارد. در سطحی عمیق‌تر و فنی‌تر، فلوریدی و چیریاتی (۲۰۲۰) با تحلیل ماهیت مدل زبانی جی‌پی‌تی-۳ و آزمون آن در برابر معیارهای ریاضی، معنایی (آزمون تورینگ) و اخلاقی، نشان دادند که این مدل‌ها فاقد درک معنایی واقعی‌اند و صرفاً بر پایه بازترکیب آماری الگوهای زبانی موجود عمل می‌کنند، نه تفکر یا استدلال حقیقی؛ نتیجه‌ای که ریسک تولید محتوای نادرست، جعلی یا فاقد استناد را در کاربردهای علمی این فناوری برجسته می‌کند. با وجود اهمیت این مطالعات، اغلب آن‌ها رویکردی کلان و نظری داشته و کمتر به سیاست‌گذاری عملی در سطح نشریات علمی پرداخته‌اند.

دومین جریان پژوهشی به بررسی تأثیر هوش مصنوعی مولد بر مراحل مختلف پژوهش و انتشار علمی اختصاص یافته است. پورناراس^۳ (۲۰۲۳) با تحلیل نقش هوش مصنوعی مولد در تمامی مراحل چرخه پژوهش، از طراحی سؤال و فرضیه پژوهش گرفته تا گردآوری داده و نگارش نهایی، چالش‌های اساسی این حوزه را در پنج محور شناسایی کرد: فقدان شفافیت و تبیین‌پذیری، سوگیری و عدم اطمینان در پاسخ‌ها، تولید محتوای جعلی یا غیرقابل استناد (نظیر ارجاعات ساختگی)، اثرات شناختی نامطلوب بر پژوهشگران (از جمله تشدید سوگیری تأییدی مشابه اثر دانیگ-کروگر)، و نقض احتمالی حقوق مالکیت فکری. در تأییدی گسترده‌تر بر این یافته‌ها، دودی^۴ و همکاران (۲۰۲۳) در یک مقاله دیدگاهی چندرشته‌ای با مشارکت بیش از چهل نویسنده از حوزه‌های مختلف (از علوم رایانه و بازاریابی گرفته تا نشر و پرستاری)، فرصت‌ها و چالش‌های چت‌جی‌پی‌تی برای پژوهش، عمل و سیاست‌گذاری را از منظرهای گوناگون تحلیل کردند و بر مواردی چون افزایش بهره‌وری در کنار خطر جابه‌جایی نیروی انسانی، تحول عمیق در آموزش و پژوهش دانشگاهی، و نگرانی از سوگیری، به‌روز نبودن داده‌های آموزشی و کاهش شفافیت و اعتبار علمی تأکید کردند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد چالش‌های ناشی از هوش مصنوعی صرفاً محدود به مرحله نگارش نیست، بلکه کل چرخه تولید دانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات تجربی دیگر نیز نشان داده‌اند که استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مولد در تولید مقالات علمی با سرعت بسیار زیادی در حال افزایش است؛ این روند به‌ویژه در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان و در میان پژوهشگران جوان‌تر شدت بیشتری دارد و

1. Gao

2. Tili

3. Pournaras

4. Dwivedi

موجب تغییر الگوهای سنتی تولید دانش شده است. با این حال، توسعه سریع کاربردهای هوش مصنوعی، با تدوین سیاست‌های نشر علمی همگام نبوده است.

سومین جریان پژوهشی به تحلیل تجربی و تطبیقی سیاست‌های ناشران و مجلات علمی در مواجهه با هوش مصنوعی مولد پرداخته است. بررسی سیستماتیک بهاوسار^۱ و همکاران (۲۰۲۵) بر روی سیاست‌های عمومی ۱۶۲ ناشر علمی، فنی و پزشکی عضو انجمن بین‌المللی ناشران علمی، فنی و پزشکی نشان داد که تا پایان سال ۲۰۲۳ تنها ۳۴.۶ درصد (۵۶ ناشر) دارای سیاست علنی و مدون درباره استفاده از ربات‌های گفت‌وگوی هوش مصنوعی بودند؛ هیچ‌یک از این سیاست‌ها نویسندگی را به هوش مصنوعی نسبت نمی‌داد، اما تنها حدود ۸۷/۵ درصد از آن‌ها (۴۹ مورد) الزام به افشای صریح استفاده از هوش مصنوعی داشتند و در چهار مورد، استفاده از این ابزارها به‌طور کامل ممنوع اعلام شده بود. هم‌سو با این یافته، مطالعه تماتیک پرکینز و رو^۲ (۲۰۲۴) با تحلیل استقرایی سیاست‌های ۱۰۷ نهاد ناشر و شناسایی ۲۸ سیاست منحصربه‌فرد مرتبط با هوش مصنوعی مولد، شش مضمون اصلی را استخراج کرد که سه مورد از آن‌ها (نویسندگی صرفاً انسانی، پاسخ‌گویی نویسنده، و شفافیت/افشاسازی) به‌طور مستقل هم در تحلیل انسانی و هم در تحلیل مبتنی بر هوش مصنوعی تکرار شدند. در کنار این پژوهش‌های تجربی، بررسی اسناد راهنمای نهادهای بین‌المللی اخلاق نشر نیز جهت‌گیری مشترکی را نشان می‌دهد. کمیته اخلاق نشر (کپ، ۲۰۲۳) در بیانیه موضوعی خود درباره نویسندگی و ابزارهای هوش مصنوعی تصریح کرد که این ابزارها فاقد شرایط لازم برای نویسندگی‌اند، زیرا نمی‌توانند مسئولیت حقوقی و اخلاقی اثر منتشرشده را بر عهده گیرند، و بر الزام افشای شفاف نحوه و ابزار استفاده از هوش مصنوعی مولد در بخش روش‌شناسی مقاله تأکید کرد. در همین راستا، الزویر (۲۰۲۵) در سیاست‌های به‌روزشده خود برای نویسندگان، داوران و سردبیران، استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی مولد را در آماده‌سازی دست‌نوشته پیش از ارسال مجاز دانست، مشروط بر آنکه با نظارت انسانی، راستی‌آزمایی خروجی‌ها و افشای صریح در قالب یک بیانییه مستقل همراه باشد. این سیاست همچنین بارگذاری متن دست‌نوشته‌های در حال داورى در ابزارهای هوش مصنوعی را به دلیل نقض محرمانگی و حقوق مالکیت داده، برای داوران و سردبیران ممنوع اعلام کرده است. در سطح فراملی‌تر، یونسکو (۲۰۲۱) در توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی خود، که نخستین سند جهانی هنجارگذاری در این حوزه است و تمامی ۱۹۴ کشور عضو را در بر می‌گیرد، بر اصولی چون شفافیت، پاسخ‌گویی و به‌ویژه نظارت انسانی تأکید کرد و تصریح نمود که مسئولیت اخلاقی و حقوقی نهایی در هر مرحله از چرخه حیات سامانه‌های هوش مصنوعی باید همواره قابل انتساب به اشخاص حقیقی یا حقوقی باقی بماند. این پژوهش‌ها و اسناد نشان می‌دهند که حتی در میان ناشران و نهادهای پیشرو بین‌المللی نیز، از نظر تعریف کاربردهای مجاز، الزامات افشاسازی، نحوه استفاده در فرایند داورى و مسئولیت‌پذیری انسانی، ناهمگونی و ابهام قابل‌توجهی وجود دارد و جامعه علمی همچنان فاقد یک استاندارد جهانی هماهنگ برای استفاده از هوش مصنوعی مولد در نشر علمی است.

1. Bhavsar

2. Perkins & Roe

چهارمین و جدیدترین جریان پژوهشی به ارزیابی اثربخشی واقعی سیاست‌های هوش مصنوعی در نشریات علمی اختصاص یافته است. مطالعه گسترده هی و بو^۱ (۲۰۲۵)، که بر روی بیش از ۵۱۱۴ نشریه و ۵/۲ میلیون مقاله علمی انجام شد، نشان داد علی‌رغم آنکه حدود ۷۰ درصد نشریات دارای سیاست هوش مصنوعی (عمدتاً مبتنی بر الزام افشاسازی) بودند، استفاده پژوهشگران از ابزارهای نگارش مبتنی بر هوش مصنوعی در تمامی رشته‌ها به شدت افزایش یافته و تفاوت معناداری میان نشریات دارای سیاست و فاقد سیاست دیده نشد. تحلیل متن کامل بیش از ۱۶۴ هزار مقاله علمی نیز نشان داد که از میان ۷۵ هزار مقاله منتشرشده از سال ۲۰۲۳ به بعد، تنها ۷۶ مقاله (حدود ۰/۱ درصد) به صراحت استفاده از هوش مصنوعی را افشا کرده بودند؛ بیشترین نرخ رشد استفاده نیز در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان، علوم فیزیکی و نشریات با دسترسی آزاد بالا مشاهده شد.

در ایران نیز، با تصویب دستورالعمل استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در پژوهش توسط بنیاد ملی علم ایران در سال ۱۴۰۴، ضرورت توجه به ابعاد اخلاقی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری پژوهشگران مورد تأکید قرار گرفته است (بنیاد ملی علم ایران، ۱۴۰۴). با این حال، این اسناد عمدتاً رویکردی کلان دارند و کمتر به سیاست‌گذاری اجرایی در سطح نشریات علمی، فرایند داوری و مسئولیت‌های سردبیری پرداخته‌اند. بررسی اولیه نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران نیز نشان می‌دهد که تعداد محدودی از این نشریات دارای سیاست‌های صریح، مدون و قابل دسترس درباره استفاده از هوش مصنوعی مولد هستند و در بسیاری از موارد، دستورالعمل مشخصی برای نویسندگان، داوران و سردبیران وجود ندارد.

جمع‌بندی پیشینه‌های مرور شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، با وجود تنوع و غنای نسبی، دارای سه دسته شکاف هستند که هر یک در سطحی جداگانه قابل تحلیل است. در سطح موضوعی، جریان اول و دوم عمدتاً رویکردی نظری و کلان دارند و کمتر به راهکارهای عملیاتی در سطح نشریات می‌پردازند. جریان سوم که مستقیماً به سیاست‌های ناشران می‌پردازد، تقریباً به‌طور کامل بر ناشران بزرگ بین‌المللی و انگلیسی‌زبان متمرکز است و کشورهای در حال توسعه و حوزه‌های تخصصی‌تر مانند علم اطلاعات و دانش‌شناسی را پوشش نمی‌دهد. جریان چهارم به‌روشنی ثابت کرده که وجود سیاست به‌تنهایی کافی نیست و آنچه اهمیت دارد سازوکار اجرایی و پایش آن است، اما در این زمینه نیز شکاف پژوهشی محسوسی دیده می‌شود. بنابراین، شکاف موضوعی اصلی، فقدان یک چارچوب سیاستی بومی و تخصصی برای نشریات علم اطلاعات و دانش‌شناسی در کشورهای در حال توسعه است. در سطح روش‌شناختی، پژوهش‌های پیشین عمدتاً از رویکردهای صرفاً توصیفی (بررسی وجود یا عدم وجود سیاست) یا هنجاری (ارائه توصیه‌های کلی) استفاده کرده‌اند. مطالعات کمی به طراحی ابزارهای سنجش عمقی سیاست‌ها پرداخته‌اند و در موارد نادری که تحلیل محتوا انجام شده، عمدتاً به کدگذاری دودویی (وجود/عدم وجود) اکتفا شده است. این رویکرد، امکان تشخیص سطوح مختلف پوشش سیاستی (صریح، ضمنی یا غایب) را فراهم نمی‌کند و نمی‌تواند تفاوت‌های ظریف میان سیاست‌ها را آشکار سازد. همچنین، پژوهش‌های کمی به تلفیق تحلیل تطبیقی با طراحی چارچوب اجرایی پرداخته‌اند و بیشتر به توصیف وضعیت موجود بسنده کرده‌اند.

1. He & Bu

در سطح بافتی، تقریباً تمامی پژوهش‌های معتبر در این حوزه بر نظام نشر علمی کشورهای توسعه‌یافته و ناشران بین‌المللی متمرکز بوده‌اند. ویژگی‌های خاص نظام نشر علمی کشورهای در حال توسعه، از جمله ساختار متمرکز وزارت علوم، نهادهای سیاست‌گذار ملی مانند بنیاد ملی علم ایران، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، و چالش‌های دبستری به فناوری‌های روز، در پژوهش‌های پیشین نادیده گرفته شده است. همچنین، حوزه تخصصی علم اطلاعات و دانش‌شناسی با داده‌های حساسی سروکار دارد که در سایر حوزه‌های علمی کمتر به آن توجه شده است و این ویژگی نیازمند ملاحظات سیاستی ویژه‌ای است که در اسناد بین‌المللی عمومی پیش‌بینی نشده است. در مجموع، شکاف بافتی به معنای غفلت از بافت علمی، فرهنگی و نهادی ایران و ویژگی‌های تخصصی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در تدوین سیاست‌های هوش مصنوعی است.

بر اساس این سه سطح شکاف (موضوعی، روش‌شناختی و بافتی)، مسئله اصلی پژوهش حاضر، فقدان یک چارچوب سیاستی جامع، شفاف و مبتنی بر اصول اخلاق نشر برای استفاده از هوش مصنوعی مولد در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران است. این پژوهش درصدد است با رویکردی ترکیبی (تطبیقی-اجرایی) و با طراحی ابزاری برای سنجش عمقی سیاست‌ها، این شکاف سه‌گانه را پر کند.

بنابراین پژوهش حاضر برای تدوین چارچوب سیاستی خود از ترکیبی از چهار رکن نظری بهره گرفته است که مبنای استخراج مؤلفه‌های سیاستی، طراحی نظام کدگذاری و در نهایت تدوین چارچوب پیشنهادی قرار گرفته‌اند. رکن نخست، اصول بنیادین اخلاق نشر است که توسط نهادهای بین‌المللی مرجع تدوین شده‌اند. کمیته اخلاق نشر (کپ، ۲۰۲۳) در بیانیه موضوعی خود درباره نویسندگی و ابزارهای هوش مصنوعی، چهار اصل کلیدی را مبنای سیاست‌گذاری قرار داده است: شفافیت (الزام به افشای کامل نحوه و میزان استفاده از ابزارهای کمکی)، پاسخ‌گویی (انتساب مسئولیت نهایی به پژوهشگران انسانی)، انصاف (پرهیز از سوگیری در فرآیندهای پژوهشی و داوری) و احترام به حریم خصوصی (حفاظت از داده‌های حساس انسانی و پژوهشی). این اصول در توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی یونسکو (۲۰۲۱) نیز با تأکید بر کرامت انسانی، نظارت انسانی و عدالت، بازتاب یافته است و بیانیه مشترک WAME و ICMJE (۲۰۲۳) بر نفی هرگونه مسئولیت‌پذیری برای سامانه‌های هوش مصنوعی صحنه گذاشته است. از این رو، این چهار اصل به عنوان فونداسیون اخلاقی چارچوب سیاستی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده‌اند.

رکن دوم، مدل‌های حکمرانی هوش مصنوعی در نشر علمی است که برای عملیاتی‌سازی اصول فوق به کار گرفته شده‌اند. مدل سه‌سطحی افشاسازی رزنیکی و حسینی (۲۰۲۵)، افشاسازی استفاده از هوش مصنوعی را به سه دسته تقسیم می‌کند: افشاسازی اجباری (هنگامی که ابزار هوش مصنوعی در نتایج پژوهش تأثیر تصمیم‌گیرنده داشته باشد یا محتوا، داده یا تصویر تولید یا ترکیب کرده باشد)، افشاسازی اختیاری (هنگامی که استفاده از هوش مصنوعی صرفاً جنبه ویرایش زبانی یا سازماندهی اولیه داشته باشد) و افشاسازی غیرضروری (هنگامی که استفاده از هوش مصنوعی در حد ابزارهای عمومی مانند غلطیاب یا ترجمه ماشینی باشد). همچنین، مدل اجرایی هی و بو (۲۰۲۵) که بر اساس مطالعه تجربی بر روی بیش از ۵۱۱۴ نشریه و ۵/۲ میلیون مقاله علمی ارائه شده، بر تفاوت میان «وجود سیاست» و «کارآمدی سیاست» تأکید دارد و نشان می‌دهد که صرف تدوین بیانیه‌های سیاستی،

بدون طراحی شاخص‌های اجرایی و پایش مستمر، تأثیر محسوسی بر رفتار واقعی پژوهشگران نمی‌گذارد. این مدل، ضرورت طراحی سازوکارهای قابل‌سنجش و نظارتی را در کنار تدوین سیاست، به‌عنوان شرط لازم برای کارآمدی سیاست‌ها معرفی می‌کند. رکن سوم، اسناد سیاستی ملی و بین‌المللی است که شامل سه دسته اسناد بین‌المللی (سیاست‌های ناشران معتبر جهانی نظیر الزویر، اشپرینگر نیچر و سیج، بیانیه‌های نهادهای اخلاق نشر و توصیه‌نامه یونسکو)، اسناد ملی (دستورالعمل استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در پژوهش بنیاد ملی علم ایران) و سیاست‌های داخلی نشریات است.

رکن چهارم، ویژگی‌های تخصصی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی است که به‌دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای و ارتباط مستقیم با داده‌های حساس انسانی، نیازمند ملاحظات ویژه در سیاست‌های هوش مصنوعی است. این حوزه با داده‌هایی نظیر سوابق امانت‌گیری کتابخانه‌ای، اطلاعات هویتی کاربران، تاریخچه جستجوهای اطلاعاتی، داده‌های جمعیت‌شناختی، اسناد آرشیوی شخصی و تعاملات با سامانه‌های اطلاعاتی سروکار دارد که همگی در زمره داده‌های حساس و مشمول حریم خصوصی محسوب می‌شوند. از این رو، چارچوب سیاستی این پژوهش، بُعد محرمانگی و اخلاق داده را به‌عنوان یکی از پنج بُعد اصلی خود گنجانده و به‌طور خاص به حفاظت از داده‌های حوزه علم اطلاعات توجه کرده است. بر اساس تلفیق چهار رکن فوق، چارچوب سیاستی این پژوهش در قالب پنج بُعد سازماندهی شده است که در شکل ۱ به‌صورت گرافیکی نمایش داده شده و در جدول ۲ (راهنمای کدگذاری) به مؤلفه‌های عملیاتی تفکیک شده است. این ابعاد عبارت‌اند از: شفافیت و افشاسازی (با مبنای نظری اصل شفافیت و مدل سه‌سطحی رزنیک و حسینی)، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی (با مبنای نظری اصل پاسخ‌گویی یونسکو و الزویر)، سلامت و اصالت پژوهش (با مبنای نظری اصل انصاف و یکپارچگی علمی)، محرمانگی و اخلاق داده (با مبنای نظری اصل حریم خصوصی و ویژگی‌های تخصصی حوزه علم اطلاعات)، و حکمرانی و اجرای سیاست (با مبنای نظری مدل اجرایی هی و بو و تفکیک نقش‌ها در نظام نشر علمی). این چارچوب ترکیبی و چندلایه، به‌عنوان «لنز نظری» پژوهش، مبنای استخراج مؤلفه‌های جدول ۲، طراحی نظام کدگذاری سه‌سطحی و در نهایت، تدوین چارچوب پیشنهادی قرار گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است. با توجه به اینکه هدف پژوهش، بررسی وضعیت استقرار سیاست‌های استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد در نشریات علمی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران، شناسایی خلأهای سیاستی موجود و ارائه یک چارچوب سیاستی پیشنهادی است، از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده شد. انتخاب تحلیل محتوای جهت‌دار به این دلیل صورت گرفت که در حوزه سیاست‌گذاری استفاده از هوش مصنوعی در نشر علمی، چارچوب‌های نظری و سیاستی معتبر در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد و می‌توان از آنها برای استخراج مؤلفه‌های تحلیلی و مقایسه سیاست‌های موجود استفاده کرد. این روش امکان شناسایی، طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های سیاستی را فراهم می‌سازد.

جامعه پژوهش شامل تمامی نشریات علمی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی نمایه‌شده در سامانه ارزیابی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران تا پایان سال ۱۴۰۴ بود. انتخاب این جامعه بر این مبنا صورت گرفت که نشریات علمی به عنوان مهم‌ترین نهادهای تنظیم‌گر نشر علمی، نقش اساسی در تدوین و اجرای سیاست‌های مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند تولید، ارزیابی و انتشار دانش دارند. همچنین حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی به دلیل ارتباط مستقیم با مدیریت اطلاعات، فناوری‌های اطلاعاتی، مدیریت دانش، علم‌سنجی، فضای مجازی و تحول دیجیتال، از جمله حوزه‌های پیشرو در مواجهه با فناوری‌های هوش مصنوعی محسوب می‌شود.

معیارهای ورود نشریات به پژوهش عبارت بودند از:

- قرار داشتن در فهرست رسمی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
- انتساب موضوعی به حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
- فعال بودن نشریه در زمان گردآوری داده‌ها؛
- دسترسی به وبسایت رسمی و مستندات نشریه.

با توجه به محدود بودن حجم جامعه، از روش بهرشماری استفاده شد و تمامی ۲۷ نشریه واجد شرایط مورد بررسی قرار گرفتند. نکته قابل توجه آن است که هدف مرحله نخست پژوهش، بررسی وضعیت استقرار سیاست‌های هوش مصنوعی در نشریات حوزه بوده است؛ بنابراین، وجود یا عدم وجود بیانیه هوش مصنوعی خود به عنوان یکی از یافته‌های اصلی پژوهش تلقی شد و معیار ورود به مطالعه قرار نگرفت. واحد تحلیل در این پژوهش شامل کلیه اسناد سیاستی، دستورالعمل‌ها، بیانیه‌ها و متون مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی مولد در وبسایت نشریات بود. علاوه بر این، به منظور انجام تحلیل تطبیقی و استخراج مؤلفه‌های سیاستی، اسناد سیاستی مهم دیگر شامل دستورالعمل استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی بنیاد ملی علم ایران؛ توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی یونسکو؛ دستورالعمل‌های کمیته اخلاق نشر؛ راهنمای ICMJE؛ راهنمای WAME؛ و سیاست‌های ناشران بین‌المللی شامل الزویر، اشپرینگر، کپ و سیج نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۱. لیست نشریات معتبر رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در سامانه ارزیابی نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

عنوان نشریه	صاحب امتیاز
مطالعات دانش‌پژوهی	دانشگاه تبریز
International Journal of Digital Content Management	دانشگاه علامه طباطبائی
International Journal of Information Science and Management	مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری

دانشگاه تهران	Journal of Cyberspace Studies [JCSS]
آینده آموزان آتا	The International Journal of Learning Spaces Studies (IJLSS)
آینده آموزان آتا	The International Journal of Metaverse & Virtual Transformation (IJMVT)
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب	آینه میراث
دانشگاه علامه طباطبائی	بازپایی دانش و نظام های معنایی
دانشگاه ادیان و مذاهب	پژوهش نامه رسانه و ارتباطات نوین
دانشگاه پیام نور	پژوهش های کتابخانه های دیجیتالی و هوشمند
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران	پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات
دانشگاه شاهد	پژوهشنامه علم سنجی
دانشگاه فردوسی مشهد	پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی
انجمن تحقیق و تصحیح نسخه های خطی	پژوهشهای نسخه شناسی و تصحیح متون
نهاد کتابخانه های عمومی کشور	تحقیقات اطلاع رسانی کتابخانه های عمومی
دانشگاه تهران	تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی
انجمن علمی ترویج علم ایران	ترویج علم
دانشگاه خوارزمی	تعامل انسان و اطلاعات
مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	رهیافت
مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	سیاست علم و فناوری
دانشگاه قم	علوم و فنون مدیریت اطلاعات
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران	گنجینه اسناد
انجمن علمی مدیریت اطلاعات ایران	مدیریت اطلاعات
دانشگاه قم	مطالعات کاربردی علم سنجی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران	مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات
دانشگاه شهید چمران اهواز	مطالعات کتابداری و علم اطلاعات
سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی	کتابداری و اطلاع رسانی

گردآوری داده ها در بازه زمانی فروردین تا خرداد ۱۴۰۵ به روش جستجوی مستقیم و دستی انجام شد. ابتدا فهرست رسمی نشریات از سامانه ارزیابی نشریات وزارت علوم استخراج شد. سپس وبسایت رسمی هر نشریه به

صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفت. به منظور افزایش جامعیت گردآوری داده‌ها، تمامی بخش‌های وب‌سایت شامل صفحه اصلی؛ راهنمای نویسندگان؛ اصول اخلاق نشر؛ راهنمای داوران؛ درباره نشریه؛ سیاست‌های انتشار؛ دستورالعمل ارسال مقاله؛ و اطلاعیه‌ها و اخبار بررسی شدند. در صورت وجود هرگونه اشاره صریح یا ضمنی به استفاده از هوش مصنوعی، متن کامل آن استخراج و در قالب فایل متنی ذخیره شد. همچنین تمامی اسناد ملی و بین‌المللی مرتبط با سیاست‌های هوش مصنوعی در پژوهش و نشر علمی گردآوری و آرشیو شدند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار در چهار مرحله انجام شد. در مرحله اول استخراج چارچوب اولیه کدگذاری انجام شد. در این مرحله، پس از مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش و اسناد سیاستی معتبر، مؤلفه‌های اولیه سیاست هوش مصنوعی استخراج شدند. در مرحله دوم راهنمای کدگذاری تدوین شد و برای هر مؤلفه، تعریف عملیاتی و شاخص‌های شناسایی تدوین شد. در جدول ۲ راهنمای کدگذاری مؤلفه‌ها ارائه شده است.

جدول ۲. راهنمای کدگذاری مؤلفه‌های سیاست هوش مصنوعی

مؤلفه	تعریف عملیاتی	شاخص شناسایی
افشاسازی استفاده از هوش مصنوعی	الزام به اعلام استفاده از هوش مصنوعی	وجود الزام به گزارش ابزار یا کاربرد
افشاسازی جزئیات ابزار	ذکر نام، نسخه و هدف استفاده	اشاره به نام، نسخه یا شرکت سازنده
مسئولیت انسانی	مسئولیت نهایی نویسنده	تأکید بر مسئولیت پژوهشگر
اعتبارسنجی انسانی	لزوم بازبینی خروجی‌ها	الزام به نظارت انسانی
ممنوعیت نویسندگی هوش مصنوعی	منع انتساب نویسندگی	تصریح به عدم نویسندگی هوش مصنوعی
محدودیت استفاده	تعیین کاربردهای مجاز	ذکر استفاده‌های مجاز و ممنوع
منع داده ساختگی	ممنوعیت جعل داده	اشاره به داده با محتوای ساختگی
حریم خصوصی	حفاظت از داده‌های محرمانه	اشاره به داده‌های حساس
سیاست داور	مقررات مربوط به داوران	وجود دستورالعمل برای داوران
تفکیک نقش‌ها	تفکیک نویسنده، داور و سردبیر	وجود سیاست مجزا
ارجاع بین‌المللی	استناد به استانداردها	ارجاع به کپ، یونسکو و غیره
نمونه افشاسازی	ارائه قالب گزارش هوش مصنوعی	وجود متن نمونه

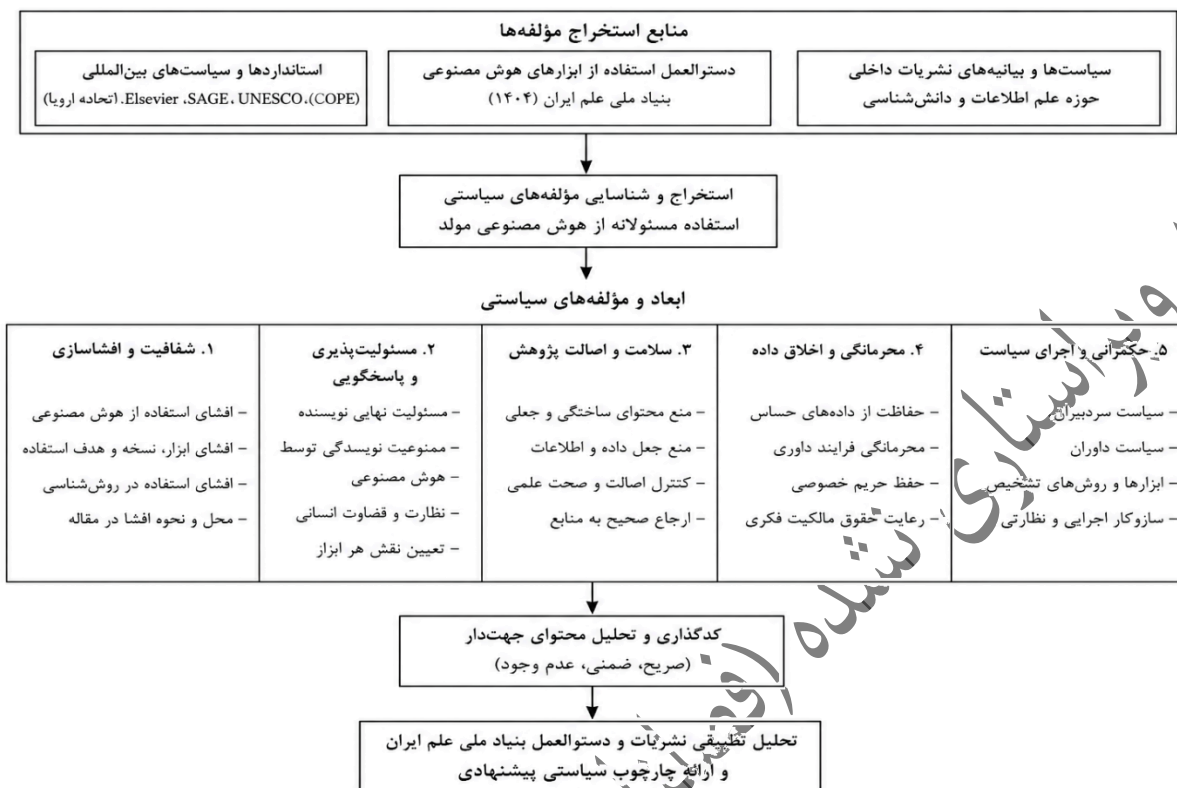
در مرحله سوم اسناد کدگذاری شدند و تمامی اسناد توسط دو پژوهشگر مستقل بررسی شدند. برای هر مؤلفه از نظام کدگذاری سه سطحی استفاده شد. کد ۰ به معنای نبود مؤلفه، کد ۱ به معنای وجود ضمنی مؤلفه و کد ۲ نیز به معنای وجود صریح مؤلفه بود. در جدول ۳ معیارهای تفسیر کدگذاری ارائه شده است.

جدول ۳. معیارهای تفسیر کدگذاری

کد	تعریف
۲	مؤلفه به صورت صریح و مستقیم بیان شده است
۱	مؤلفه به صورت غیرمستقیم یا ضمنی قابل استنباط است
۰	هیچ اشاره‌ای به مؤلفه وجود ندارد

در مرحله چهارم تحلیل تطبیقی و تدوین چارچوب پیشنهادی انجام شد. در این مرحله، سیاست‌های موجود در سه سطح نشریات داخلی؛ بنیاد ملی علم ایران؛ و اسناد بین‌المللی با یکدیگر مقایسه شدند تا نقاط اشتراک، افتراق و خلأهای سیاستی شناسایی شوند. سپس بر اساس یافته‌های حاصل، چارچوب سیاستی پیشنهادی برای نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی تدوین شد.

به منظور افزایش اعتبار پژوهش، از روش مثلث‌سازی داده‌ها استفاده شد. در این روش، داده‌ها از سه منبع مستقل شامل نشریات داخلی، اسناد ملی و سیاست‌های بین‌المللی گردآوری و مقایسه شدند. به منظور بررسی پایایی کدگذاری، تمامی اسناد توسط دو کدگذار مستقل تحلیل شدند و میزان توافق بین کدگذاران با استفاده از ضریب توافق کاپا محاسبه شد. ضریب توافق به دست آمده در این پژوهش برابر با ۰/۸۹ بود که نشان‌دهنده پایایی مطلوب کدگذاری‌ها است.



شکل ۱. مدل مفهومی استخراج و تحلیل مؤلفه‌های سیاستی استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در نشریات

شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را در چهار مرحله نمایش می‌دهد. ابتدا مؤلفه‌های سیاستی از سه منبع استانداردهای بین‌المللی (الزویر، اشپرینگر، کپ، یونسکو)، دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران و سیاست‌های داخلی نشریات استخراج شده‌اند. سپس این مؤلفه‌ها در قالب پنج بُعد سیاستی (شفافیت و افشاسازی، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، سلامت و اصالت پژوهش، محرمانگی و اخلاق داده، و حکمرانی و اجرای سیاست) دسته‌بندی شده‌اند که مبانی نظری آن‌ها برگرفته از چارچوب اخلاق نشر (کپ، ۲۰۲۳؛ یونسکو، ۲۰۲۱)، مدل سه‌سطحی رزینیک و حسینی (۲۰۲۵) و مدل اجرایی هی و بو (۲۰۲۵) است. در مرحله بعد، با استفاده از تحلیل محتوای کدگذاری شده و نظام سه‌سطحی (صریح، ضمنی، عدم وجود)، وضعیت نشریات داخلی بررسی شده و در نهایت، تحلیل تطبیقی با اسناد ملی و بین‌المللی به ارائه چارچوب سیاستی پیشنهادی بومی انجامیده است. نوآوری مدل حاضر در تلفیق سه سطح سیاست‌گذاری با طراحی شاخص‌های قابل‌سنجش است که امکان ارزیابی عملیاتی سیاست‌ها را فراهم می‌کند.

یافته‌ها

هدف از پژوهش حاضر بررسی وضعیت استقرار و انتشار سیاست های استفاده از هوش مصنوعی در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی بود. در ادامه سوالات پژوهش و تبیین یافته ها ارائه شده است.

سوال اول پژوهش: وضعیت استقرار و انتشار سیاست های استفاده از هوش مصنوعی مولد در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی ایران چگونه است؟

در این مرحله، تمرکز پژوهش بر شناسایی وجود یا عدم وجود سیاست های رسمی در سطح نشریات بود. نتایج بررسی ۲۷ نشریه علمی حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی نشان داد که تنها تعداد محدودی از نشریات دارای سیاست مدون در خصوص استفاده از هوش مصنوعی مولد هستند. این یافته نشان می دهد که اگرچه موضوع هوش مصنوعی در سال های اخیر به یکی از مهم ترین مسائل اخلاق نشر علمی تبدیل شده است، اما هنوز در بخش عمده ای از نشریات این حوزه، سیاست گذاری رسمی در این زمینه صورت نگرفته است.

جدول ۴. وضعیت وجود سیاست هوش مصنوعی در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی

عنوان نشریه	وضعیت سیاست هوش مصنوعی
مطالعات دانش پژوهی	ندارد
International Journal of Digital Content Management	ندارد
International Journal of Information Science and Management	ندارد
Journal of Cyberspace Studies	ندارد
The International Journal of Learning Spaces Studies	ندارد
The International Journal of Metaverse & Virtual Transformation	ندارد
آینه میراث	ندارد
بازیابی دانش و نظام های معنایی	ندارد
پژوهش نامه رسانه و ارتباطات نوین	ندارد
پژوهش های کتابخانه های دیجیتالی و هوشمند	ندارد
پژوهش نامه پردازش و مدیریت اطلاعات	ندارد
پژوهش نامه علم سنجی	دارد
پژوهش نامه کتابداری و اطلاع رسانی	دارد
پژوهش های نسخه شناسی و تصحیح متون	ندارد
تحقیقات اطلاع رسانی کتابخانه های عمومی	ندارد
تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی	ندارد
ترویج علم	ندارد
تعامل انسان و اطلاعات	ندارد

ندارد	رهیافت
ندارد	سیاست علم و فناوری
ندارد	علوم و فنون مدیریت اطلاعات
ندارد	گنجینه اسناد
ندارد	مدیریت اطلاعات
ندارد	مطالعات کاربردی علم‌سنجی
دارد	مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات
ندارد	مطالعات کتابداری و علم اطلاعات
ندارد	کتابداری و اطلاع‌رسانی

از مجموع ۲۷ نشریه مورد بررسی، تنها سه نشریه (۱۱/۱ درصد) دارای سیاست یا بیانیه مشخص درباره استفاده از هوش مصنوعی مولد بودند؛ در حالی که ۲۴ نشریه (۸۸/۹ درصد) فاقد هرگونه سیاست مدون در این زمینه بودند. سه نشریه دارای سیاست شامل مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، پژوهشنامه علم‌سنجی و پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی بودند. این یافته وجود یک خلأ سیاستی جدی در نظام نشر علمی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران را نشان می‌دهد. با توجه به محدود بودن تعداد بیانیه‌های داخلی، در مرحله بعدی، تحلیل محتوای تطبیقی بیانیه‌های موجود با دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران و استانداردهای بین‌المللی انجام شد.

سوال دوم پژوهش: مؤلفه‌های کلیدی سیاست‌های استفاده از هوش مصنوعی در نشریات علم اطلاعات و دانش‌شناسی و بنیاد ملی علم ایران کدام‌اند؟

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا متن کامل سه بیانیه موجود و دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران به روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مرور ادبیات و اسناد بین‌المللی، ۱۶ مؤلفه سیاستی استخراج و در قالب نظام کدگذاری سه‌سطحی (صریح، ضمنی، عدم وجود) تحلیل شدند.

جدول ۵. مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های سیاست هوش مصنوعی

مؤلفه	مطالعات کتابداری	پژوهشنامه کتابداری	پژوهشنامه علم‌سنجی	بنیاد ملی علم
افشاسازی استفاده از هوش مصنوعی	۲	۲	۲	۲
افشاسازی مشخصات ابزار	۲	۱	۲	۲

۲	۲	۲	۲	مسئولیت نویسندگان
۲	۲	۱	۲	نظارت انسانی
۱	۲	۲	۲	ممنوعیت نویسندگی هوش مصنوعی
۲	۲	۲	۲	محدودیت دامنه استفاده
۲	۲	۰	۲	ممنوعیت تصاویر هوش مصنوعی
۲	۲	۰	۲	حفظ حریم خصوصی
۱	۲	۰	۱	ممنوعیت بارگذاری توسط داوران
۱	۲	۰	۰	الزام داوری انسانی
۰	۲	۰	۰	ابزار تشخیص هوش مصنوعی
۲	۲	۰	۰	تفکیک نقش‌ها
۲	۱	۰	۲	نمونه افشاسازی
۲	۰	۲	۲	ارجاع به استانداردهای جهانی
۲	۱	۱	۲	ممنوعیت داده‌سازی
۰	۰	۰	۰	توجه به داده‌های حساس علم اطلاعات

کدها: ۲=وجود صریح؛ ۱=وجود ضمنی؛ ۰=عدم وجود

افشاسازی استفاده از هوش مصنوعی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک در تمامی اسناد بررسی‌شده، الزام به افشاسازی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی بود. فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات صراحتاً نویسندگان را ملزم کرده است که استفاده از هوش مصنوعی را در بخش روش یا بیانیه استفاده از هوش مصنوعی اعلام کنند. پژوهشنامه علم‌سنجی نیز افشاسازی را در بخش تقدیر و تشکر الزامی دانسته است. بنیاد ملی علم ایران نیز ثبت استفاده از هوش مصنوعی را در پروپوزال و گزارش پژوهش الزامی اعلام کرده است.

سی مؤلفه افشاسازی جزئیات ابزار، مشخص شد که مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات جامع‌ترین رویکرد را اتخاذ کرده است. این نشریه نویسندگان را ملزم به ذکر نام ابزار، نسخه، شرکت سازنده و هدف استفاده کرده است. برای نمونه، در متن سیاست

افشاسازی مشخصات ابزار

در برر این نشریه مثال Grok نسخه ۲ ساخت xAI ذکر شده است. پژوهشنامه علم‌سنجی نیز ذکر نام ابزار و هدف استفاده را الزامی دانسته، اما پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی صرفاً بر مستندسازی استفاده تأکید کرده است.

مسئولیت پذیری و نظارت انسانی

هر چهار سند بررسی شده تأکید دارند که مسئولیت نهایی صحت، اصالت و اعتبار محتوای علمی بر عهده پژوهشگران است و هوش مصنوعی صرفاً یک ابزار کمکی محسوب می‌شود. پژوهشنامه علم‌سنجی به‌صراحت بیان می‌کند که خروجی‌های هوش مصنوعی باید توسط انسان اعتبارسنجی شوند، زیرا ممکن است دارای خطا یا سوگیری باشند. مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات نیز بازبینی و ویرایش کامل خروجی‌های هوش مصنوعی را الزامی دانسته است.

ممنوعیت نویسنده‌گی هوش مصنوعی

تمامی اسناد مورد بررسی بر این اصل توافق دارند که هوش مصنوعی فاقد شخصیت حقوقی و مسئولیت اخلاقی است و بنابراین نمی‌تواند به‌عنوان نویسنده یا هم‌نویسنده معرفی شود. این مؤلفه در هر سه نشریه به‌صورت صریح مشاهده شد و با استانداردهای بین‌المللی مانند کپ و الزویر همخوانی دارد.

محدودیت دامنه استفاده از هوش مصنوعی

بررسی‌ها نشان داد که هر سه نشریه ایرانی، استفاده از هوش مصنوعی را صرفاً در حوزه‌های کمکی مانند بهبود نگارش، ویرایش زبانی، سازماندهی اطلاعات و در برخی موارد تحلیل اولیه داده‌ها مجاز می‌دانند. پژوهشنامه علم‌سنجی صراحتاً استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل علمی، استنتاج و پردازش داده‌های پژوهش را ممنوع اعلام کرده است.

تولید تصاویر و محتوای جعلی

مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات و پژوهشنامه علم‌سنجی استفاده از هوش مصنوعی برای تولید تصاویر، نمودارها و داده‌های ساختگی را ممنوع اعلام کرده‌اند. پژوهشنامه علم‌سنجی حتی تصریح می‌کند که هرگونه تغییر تصویر با هوش مصنوعی باید مستند و قابل اعتبارسنجی باشد. در مقابل، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی اشاره مستقیمی به این موضوع ندارد.

محرمانگی و حفظ داده‌های حساس

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، توجه ویژه فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات به داده‌های حساس حوزه علم اطلاعات است. این نشریه به‌طور مشخص به ممنوعیت بارگذاری اطلاعات کاربران کتابخانه‌ها، سوابق امانت، داده‌های آرشیوی شخصی، جستجوهای کاربران و داده‌های جمعیت‌شناختی اشاره کرده است. این مؤلفه در سایر نشریات مشاهده نشد.

سیاست‌های مرتبط با داوری و سردبیری

پژوهشنامه علم‌سنجی جامع‌ترین سیاست را در حوزه داوری و سردبیری ارائه کرده است. این نشریه استفاده داوران و سردبیران از ابزارهای هوش مصنوعی برای ارزیابی مقالات را ممنوع اعلام کرده و تأکید کرده است که فرآیند داوری هم‌تا نیازمند قضاوت انسانی است. همچنین این نشریه استفاده از سامانه GPTZero را برای غربالگری اولیه محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی معرفی کرده است.

ارجاع به استانداردهای بین‌المللی

فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات بیشترین همگرایی را با استانداردهای بین‌المللی نشان داد و به‌صورت مستقیم به سیاست‌های الزویر و سیج استناد کرده است. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز از دستورالعمل‌های کپ بهره گرفته است. بنیاد ملی علم ایران علاوه بر کپ، از اسناد یونسکو و اتحادیه اروپا استفاده کرده است.

جمع‌بندی تحلیل تطبیقی

نتایج تحلیل تطبیقی نشان داد که فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات از نظر پوشش مؤلفه‌های اخلاقی، حفظ حریم خصوصی و ملاحظات تخصصی حوزه علم اطلاعات، جامع‌ترین سیاست را ارائه کرده است. پژوهشنامه علم‌سنجی در حوزه سیاست‌های مرتبط با داوری، محرمانگی و تشخیص استفاده از هوش مصنوعی عملکرد جامع‌تری داشته است. همچنین، دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران از نظر پوشش چرخه کامل پژوهش، به‌ویژه مرحله پیش‌پژوهش و ارائه پروپوزال، کامل‌تر از سایر اسناد است.

با وجود این، هیچ‌یک از اسناد بررسی‌شده تمامی مؤلفه‌های شناسایی‌شده را به‌طور همزمان پوشش نمی‌دهند. این یافته ضرورت تدوین یک چارچوب سیاستی یکپارچه، بومی و تخصصی برای نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران را آشکار می‌سازد. بر این اساس، در بخش بعد، چارچوب پیشنهادی استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد برای نشریات این حوزه ارائه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سیاست‌های استفاده از هوش مصنوعی مولد در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران و ارائه یک چارچوب سیاستی پیشنهادی انجام شد. نتایج نشان داد که از میان ۲۷ نشریه معتبر مورد بررسی، تنها سه نشریه (۱۱/۱ درصد) دارای سیاست یا خط‌مشی صریح در زمینه استفاده از هوش مصنوعی مولد هستند و ۲۴ نشریه (۸۸/۹ درصد) فاقد هرگونه سیاست رسمی در این حوزه‌اند. این یافته بیانگر وجود شکاف سیاستی قابل توجه در نظام نشر علمی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران است؛ شکافی که حتی از نرخ فقدان سیاست در سطح بین‌المللی نیز عمیق‌تر است، چراکه بررسی به‌واسطه همکاران (۲۰۲۵) بر روی ۱۶۲ ناشر علمی، فنی و پزشکی عضو STM نشان داده بود که حدود ۶۵ درصد (نه ۸۹ درصد) از ناشران بین‌المللی تا پایان سال ۲۰۲۳ فاقد سیاست علنی و مدون در این زمینه بودند. این مقایسه نشان می‌دهد که نظام

نشر علمی ایران، به‌ویژه در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، در تدوین چارچوب‌های سیاستی هوش مصنوعی از میانگین جهانی نیز عقب‌تر است.

یافته‌های این پژوهش با روندهای جهانی در حوزه حکمرانی هوش مصنوعی در نشر علمی قابل مقایسه است. در تدوین سیاست‌های شفاف در زمینه استفاده از هوش مصنوعی مولد تأکید کرده‌اند (کمیته اخلاق نشر، ۲۰۲۳؛ الزویر، ۲۰۲۵؛ یونسکو، ۲۰۲۱). این اسناد بر اصول شفافیت، پاسخ‌گویی، نظارت انسانی، حفظ محرمانگی و ممنوعیت انتساب نویسندگی به سامانه‌های هوش مصنوعی تأکید دارند. با این حال، همان‌طور که پرکینز و رو (۲۰۲۴) در تحلیل تماتیک سیاست‌های ناشران برتر جهان نشان دادند، حتی در میان اسناد بین‌المللی نیز اجرای این اصول یکسان و هماهنگ نیست؛ نتایج پژوهش حاضر در سطح نشریات تخصصی‌تر ایران، این ناهمگونی و ابهام اجرایی را در مقیاسی حادث‌تر بازتاب می‌دهد.

نتایج پژوهش حاضر با مطالعات اخیر در حوزه اخلاق هوش مصنوعی نیز همخوانی دارد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که استفاده کنترل‌نشده از هوش مصنوعی مولد می‌تواند مخاطراتی مانند تولید اطلاعات نادرست، جعل داده، سوگیری الگوریتمی، نقض حریم خصوصی و تضعیف یکپارچگی علمی را به همراه داشته باشد (دیویدی و همکاران، ۲۰۲۳؛ فلوریدی و چیریاتی، ۲۰۲۰؛ تیلی و همکاران، ۲۰۲۳). دیویدی و همکاران (۲۰۲۳) به‌طور خاص بر ضرورت تدوین سیاست‌های چندرشته‌ای و هماهنگ برای بهره‌برداری مسئولانه از هوش مصنوعی مولد در پژوهش و انتشار علمی تأکید کرده‌اند، در حالی که فلوریدی و چیریاتی (۲۰۲۰) با تحلیل ماهیت مدل‌های زبانی، نشان داده‌اند که این سامانه‌ها فاقد درک معنایی واقعی‌اند و صرفاً بر پایه بازترکیب آماری متن عمل می‌کنند؛ ویژگی‌ای که ریسک تولید محتوای نادرست یا فاقد استناد را افزایش می‌دهد. از این‌رو، وجود سیاست‌های روشن و الزام‌آور برای استفاده از این فناوری در نظام نشر علمی ضروری است.

تحلیل تطبیقی سه نشریه دارای بیانیه نشان داد که هر یک بخشی از الزامات سیاستی را پوشش داده‌اند. فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات جامع‌ترین رویکرد را ارائه کرده و به‌طور خاص بر حفاظت از داده‌های حساس حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی تأکید دارد. پژوهشنامه علم‌سنجی نیز در حوزه سیاست‌های مرتبط با سردبیران و داوران، ممنوعیت بارگذاری دست‌نوشته‌ها در ابزارهای هوش مصنوعی و استفاده از ابزارهای تشخیص محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی رویکرد جامع‌تری اتخاذ کرده است. در مقابل، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر بر اصول کلی اخلاق نشر و مسئولیت‌پذیری نویسندگان تمرکز دارد. همچنین، دستورالعمل بنیاد ملی علم ایران در مقایسه با نشریات مورد بررسی، پوشش جامع‌تری در مراحل پیش‌انتشار، تدوین پروپوزال، اجرای پژوهش و گزارش‌دهی نتایج دارد، اما به‌طور تخصصی به نیازهای حوزه نشر علمی و ویژگی‌های خاص علم اطلاعات و دانش‌شناسی نپرداخته است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام نشر علمی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران نیازمند تدوین و استقرار یک خط‌مشی ملی، جامع و یکپارچه برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد است؛ خط‌مشی‌ای که ضمن هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی، ویژگی‌ها و نیازهای تخصصی این حوزه را نیز پوشش دهد. این ضرورت با یافته‌های بو (۲۰۲۵) نیز هم‌راستاست، که نشان دادند صرف وجود سیاست، بدون سازوکار

اجرایی و نظارتی، تأثیر محسوسی بر رفتار واقعی نویسندگان نمی‌گذارد (تنها ۰.۱ درصد افشاسازی واقعی در میان مقالات بررسی شده). بنابراین، آنچه نظام نشر علمی ایران به آن نیاز دارد صرفاً تدوین یک بیانیه کلی نیست، بلکه طراحی سازوکارهای عملیاتی، قابل‌سنجش و قابل‌پیگیری در سطح فرایند داوری و سردبیری است.

تجولات سریع هوش مصنوعی مولد فرصت‌های جدیدی برای بهبود نگارش علمی، تحلیل داده‌ها، بازیابی اطلاعات، خدمات کتابخانه‌ای و مدیریت دانش ایجاد کرده است. با این حال، استفاده بدون ضابطه از این فناوری می‌تواند مخاطرات جدی برای اصالت پژوهش و یکپارچگی علمی ایجاد کند (دیویدی و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته با نتایج پورناراش (۲۰۲۳) نیز هم‌خوانی دارد که نشان داد چالش‌های هوش مصنوعی مولد از مرحله طراحی سؤال پژوهش تا انتشار نهایی، رکل چرخه تولید دانش را متأثر می‌سازد و صرفاً محدود به مرحله نگارش نیست.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، فقدان سیاست‌های رسمی در اغلب نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران است. این وضعیت می‌تواند موجب شکل‌گیری رویه‌های متفاوت و گاه متناقض در میان نویسندگان، داوران و سردبیران شود. مطالعات اخیر نیز نشان داده‌اند که نبود چارچوب‌های سیاستی مشخص، ابهام در مسئولیت‌پذیری، افزایش احتمال سوءاستفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و کاهش اعتماد به پژوهش‌های علمی را به دنبال دارد (تلیلی و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته با نتایج هگندورف (۲۰۲۴) نیز سازگار است که در مرور دامنه‌ای گسترده خود بر روی ۳۷۸ مسئله هنجاری مرتبط با هوش مصنوعی مولد، فقدان چارچوب‌های اجرایی و نظارتی را یکی از مهم‌ترین خلأهای موجود در حکمرانی هوش مصنوعی دانست.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد که مسئله حفظ حریم خصوصی و محرمانگی داده‌ها در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی اهمیت مضاعفی دارد. داده‌هایی نظیر سوابق امانت‌گیری، اطلاعات هویتی کاربران، تعاملات با سامانه‌های هوشمند و اسناد آرشیوی شخصی، از جمله داده‌های حساسی هستند که استفاده از آن‌ها در ابزارهای هوش مصنوعی می‌تواند چالش‌های جدی اخلاقی و حقوقی ایجاد کند. این موضوع با رویکرد انسان‌محور و مبتنی بر حقوق بشر یونسکو در زمینه حکمرانی هوش مصنوعی همسو است؛ توضیح‌نامه یونسکو تصریح می‌کند که مسئولیت اخلاقی و حقوقی نهایی در هر مرحله از چرخه حیات سامانه‌های هوش مصنوعی باید همواره قابل‌انتساب به اشخاص حقیقی یا حقوقی باقی بماند (یونسکو، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان داد که سیاست‌های موجود عمدتاً بر نویسندگان تمرکز دارند و نقش داوران و سردبیران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که ناشران بین‌المللی و کمیته اخلاق نشر بر ضرورت تدوین سیاست‌های مستقل برای تمامی ذی‌نفعان نظام نشر علمی تأکید کرده‌اند (کمیته اخلاق نشر، ۲۰۲۳؛ الزویر، ۲۰۲۵). این یافته با نتایج بررسی سیستماتیک بهاوسار و همکاران (۲۰۲۵) نیز هم‌خوانی دارد که نشان دادند حتی در سطح ناشران بین‌المللی نیز سیاست‌های مرتبط با نقش داوران در فرایند ارزیابی هوش مصنوعی، کمتر از سیاست‌های مربوط به نویسندگان مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر مؤید این اصل است که هوش مصنوعی باید به‌عنوان ابزاری کمکی و نه جایگزین قضاوت انسانی مورد استفاده قرار گیرد. تأکید بر نظارت انسانی، مسئولیت‌پذیری نویسندگان و ممنوعیت انتساب

نویسندگی به هوش مصنوعی، از اصولی است که تقریباً در تمامی اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است (الزور، ۲۰۲۵؛ یونسکو، ۲۰۲۱).

بنابراین، تدوین یک سیاست جامع و پویا برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نه تنها به ارتقای کیفیت و اعتبار پژوهش‌های علمی کمک می‌کند، بلکه زمینه توسعه سواد هوش مصنوعی و تقویت اعتماد به نظام نشر علمی کشور را نیز فراهم خواهد کرد.

نوآوری پژوهش حاضر در سه سطح نظری، روش‌شناختی و کاربردی قابل تبیین است. از منظر نوآوری نظری، این پژوهش نخستین چارچوب سیاستی بومی را برای حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران ارائه می‌دهد که تلفیقی نظام‌مند از سه سطح سیاست‌گذاری است: استانداردهای بین‌المللی (یونسکو، کپ، الزور، اشپرینگر و سیج)، دستورالعمل ملی بنیاد ملی علم ایران، و ویژگی‌های تخصصی حوزه علم اطلاعات (نظیر داده‌های حساس کتابخانه‌ای، سوابق امنیت، اطلاعات آرشیوی و داده‌های جمعیت‌شناختی کاربران) که در اسناد پیشین مغفول مانده بود. این تلفیق سه‌سطحی، چارچوبی جامع‌تر از هر یک از منابع به‌تنهایی ایجاد کرده است و برخلاف پژوهش‌های پیشین که یا صرفاً بر اسناد بین‌المللی متمرکز بودند یا صرفاً به توصیف وضعیت داخلی بسنده کردند، رویکردی تلفیقی را به کار گرفته است که هم به استانداردهای جهانی و هم به اقتضائات بومی توجه دارد.

از منظر نوآوری روش‌شناختی، پژوهش حاضر یک نظام کدگذاری سه‌سطحی (صریح، ضمنی، عدم وجود) را طراحی و پیاده‌سازی کرده است که برخلاف رویکردهای دودویی (وجود/عدم وجود) در پژوهش‌های پیشین (مانند بهاوسار و همکاران، ۲۰۲۵)، امکان سنجش دقیق‌تر و کمی‌تر سیاست‌های کیفی را فراهم می‌کند. این نظام کدگذاری، امکان تشخیص سطوح مختلف پوشش سیاستی (از افشاسازی کامل و صریح تا اشاره‌های ضمنی و حتی غیاب کامل) را می‌دهد و به‌عنوان ابزاری قابل‌تعمیم برای پژوهش‌های آینده در سایر حوزه‌های علمی و کشورهای در حال توسعه قابل استفاده است.

از منظر نوآوری کاربردی، چارچوب پیشنهادی این پژوهش صرفاً به بیانیه‌های کلی اکتفا نکرده، بلکه سازوکارهای اجرایی قابل پیگیری را در سه سطح نویسندگان، داوران و سردبیران طراحی کرده است. برای نویسندگان، نمونه‌های عینی افشاسازی و فرم‌های استاندارد ارائه شده است؛ برای داوران، سیاست‌های مشخص درباره ممنوعیت بارگذاری دست‌نوشته‌ها در ابزارهای هوش مصنوعی و الزام به داوری انسانی تدوین شده است؛ و برای سردبیران، دستورالعمل‌هایی درباره استفاده از ابزارهای تشخیص محتوای هوش مصنوعی و تفکیک نقش‌ها ارائه گردیده است. این رویکرد اجرایی، پاسخ‌گوی چالش کلیدی مطرح‌شده در پیشینه پژوهش است که «فقدان سازوکارهای اجرایی، قابل سنجش و متناسب با بافت علمی و فرهنگی» را مهم‌ترین خلأ سیاست‌های موجود معرفی کرده بود (هی و بو، ۲۰۲۵).

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که در تفسیر یافته‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، جامعه پژوهش محدود به نشریات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی مورد تأیید وزارت علوم بود و سایر حوزه‌های علمی کشور بررسی نشدند. دوم، تعداد نشریات دارای سیاست رسمی هوش مصنوعی در جامعه مورد مطالعه محدود بود (سه نشریه) که امکان انجام تحلیل‌های مقایسه‌ای گسترده‌تر را کاهش داد. سوم، داده‌های پژوهش صرفاً بر اساس اسناد

و سیاست‌های منتشرشده در وبسایت نشریات گردآوری شد و امکان بررسی سیاست‌های داخلی یا غیررسمی وجود نداشت؛ محدودیتی که در مطالعات بین‌المللی مشابه نیز، از جمله بهاوسار و همکاران (۲۰۲۵)، گزارش شده است. چهارم، به دلیل نوظهور بودن حوزه هوش مصنوعی مولد، بسیاری از سیاست‌ها و دستورالعمل‌های بین‌المللی در حال بازنگری و تکامل مستمر هستند و یافته‌های هی و بو (۲۰۲۵) نیز نشان می‌دهد که حتی افزایش کمی سیاست‌ها لزوماً به تغییر رفتار واقعی پژوهشگران منجر نمی‌شود؛ از این رو نتایج این پژوهش باید در بازه‌های زمانی آتی مورد بازبینی مجدد قرار گیرد.

پیشنهادهای کاربردی

- تدوین دستورالعمل ملی استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد در نشریات علمی توسط وزارت علوم با همکاری انجمن علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران و ایرانداک.
- الزام نشریات به انتشار سیاست‌های مستقل برای نویسندگان، داوران و سردبیران.
- طراحی دوره‌های آموزشی برای ارتقای سواد هوش مصنوعی در میان پژوهشگران و مدیران نشریات.
- توسعه و بومی‌سازی ابزارهای تشخیص محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی برای زبان فارسی.
- توجه ویژه به حفاظت از داده‌های حساس حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در سیاست‌های هوش مصنوعی.

منابع

بنیاد ملی علم ایران. (۱۴۰۴). دستورالعمل استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در پژوهش. بنیاد ملی علم ایران. پژوهشنامه علم سنجی. (۱۴۰۴). سیاست مجله در قبال هوش مصنوعی.

https://rsci.shahed.ac.ir/page_88.html

پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۴۰۴) سیاست دانشگاه فردوسی مشهد در استفاده از هوش مصنوعی و مدل(های) زبانی بزرگ <https://infosci.um.ac.ir/journal/process?ethics>

فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات. (۱۴۰۴). خط مشی استفاده از هوش مصنوعی در فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات. <https://nastinfo.nlai.ir/page/16.html>

Bhaysar, D., Duffy, L., Jo, H., Lokker, C., Haynes, R. B., Iorio, A., Marusic, A., & Ng, J. Y. (2025). Policies on artificial intelligence chatbots among academic publishers: A cross-sectional audit. *Research Integrity and Peer Review*, 10, 1. <https://doi.org/10.1186/s41073-025-00158-y>

Committee on Publication Ethics (COPE). (2023). *COPE position statement: Authorship and AI tools*. <https://doi.org/10.24318/cCVRZBms>

COPE (2023). *COPE position statement: Authorship and AI tools: COPE position statement*. <https://publicationethics.org/guidance/cope-position/authorship-and-ai-tools>

COPE (2025). Emerging AI dilemmas in scholarly publishing. Committee on Publication Ethics. <https://publicationethics.org/topic-discussions/emerging-ai-dilemmas-scholarly-publishing>

Dwivedi, Y. K., Kshetri, N., Hughes, L., Slade, E. L., Jeyaraj, A., Kar, A. K., Baabdullah, A. M., Koohang, A., Raghavan, V., Ahuja, M., Albanna, H., Albashrawi, M., Al-Busaidi, A. S., Balakrishnan, J., Barlette, Y., Basu, S., Bose, I., Brooks, L., Buhalis, D., ... Wright, R. (2023). So what if ChatGPT wrote it? Multidisciplinary perspectives on opportunities, challenges and implications of generative conversational AI for research, practice and policy. *International Journal of Information Management*, 71, 102642. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2023.102642>

Elsevier. (2025). Generative AI policies for journals. <https://www.elsevier.com/about/policies-and-standards/generative-ai-policies-for-journals>.

Elsevier. (2025). *The use of generative AI and AI-assisted technologies in writing*. Elsevier Publishing Policies. Retrieved from <https://www.elsevier.com/en-gb/about/policies-and-standards/the-use-of-generative-ai-and-ai-assisted-technologies-in-writing-for-elsevier>

European Commission (2025). Living guidelines on the responsible use of generative AI in research European Commission. https://research-and-innovation.ec.europa.eu/document/download/2b6cf7e5-36ac-41cb-aab5-0d32050143dc_en

Floridi, L., & Chiriatti, M. (2020). GPT-3: Its nature, scope, limits, and consequences. *Minds and Machines*, 30(4), 681–694. <https://doi.org/10.1007/s11023-020-09548-1>

Gao, D. K., Haverly, A., Mittal, S., Wu, J., & Chen, J. (2024). AI ethics: a bibliometric analysis, critical issues, and key gaps. *International Journal of Business Analytics (IJBAN)*, 11(1), 1-19.

Hagendorff, T. (2024). Mapping the ethics of generative AI: A comprehensive scoping review. *Minds and Machines*, 34(4). <https://doi.org/10.1007/s11023-024-09694-w>

He, Y., & Bu, Y. (2025). Academic journals' AI policies fail to curb the surge in AI-assisted academic writing. *arXiv preprint*. <https://arxiv.org/abs/2512.06705>

Hosseini, M., Gordijn, B., Kaebnick, G. E., & Holmes, K. (2025). Disclosing generative AI use for writing assistance should be voluntary. *Research Ethics*, 21(4), 728–735. <https://doi.org/10.1177/17470161251345499>

Hosseini, M., Rasmussen, L. M., & Resnik, D. B. (2023). Using AI to write scholarly publications. *Accountability in Research*, 1–9. <https://doi.org/10.1080/08989621.2023.2168535>

- Perkins, M., & Roe, J. (2024). Academic publisher guidelines on AI usage: A ChatGPT supported thematic analysis. *F1000Research*, 12, 1398. <https://doi.org/10.12688/f1000research.142411.2>
- Pournaras, E. (2023). Science in the era of ChatGPT, large language models and generative AI. *Beyond Quantity: Research with Subsymbolic AI*, 6, 275.
- Rahmani, M. (2026). Strategic Priorities for AI Integration and Digital Transformation in Academic Libraries. *AI and Tech in Behavioral and Social Sciences*, 4(2), 1-8.
- Resnik, D. B., & Hosseini, M. (2025). Disclosing artificial intelligence use in scientific research and publication: When should disclosure be mandatory, optional, or unnecessary? *Accountability in Research*, 33(2). <https://doi.org/10.1080/08989621.2025.2481949>
- SAGE. (2025). Artificial intelligence policy. <https://www.sagepub.com/journals/publication-ethics-policies/artificial-intelligence-policy>
- Schilke, O., & Reimann, M. (2025). The transparency dilemma: How AI disclosure erodes trust. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 188, 104405. <https://doi.org/10.1016/j.obhdp.2025.104405>
- Springer Nature. (2025). *Artificial intelligence (AI): Editorial policies*. Retrieved from <https://www.springer.com/editorial-policies/artificial-intelligence>
- Stokel-Walker, C., & Van Noorden, R. (2023). What ChatGPT and generative AI mean for science. *Nature*, 614(7947), 214–216. <https://doi.org/10.1038/d41586-023-00340-6>
- Tlili, A., Shehata, B., Adarkwah, M. A., Bozkurt, A., Hickey, D. T., Huang, R., & Agyemang, B. (2023). What if the devil is my guardian angel: ChatGPT as a case study of using chatbots in education. *Smart Learning Environments*, 10(1), Article 15. <https://doi.org/10.1186/s40561-023-00237-x>
- UNESCO. (2021). *Recommendation on the Ethics of Artificial Intelligence*. Adopted 23 November 2021 by the 41st session of the General Conference. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf00000379985>